

پیشینه معماری سنتی در نهاوند (بخش دوم)

نگاهی گذرا به ساختار معماری کنونی این دیار کهن ، دل شیفتگانش را از نابودی میراث‌های معماری گذشته دردمند می‌سازد . آن هم شهری و گذشته‌ای که به استناد منابع معتبر تاریخی و آثار به نمایش درآمده در گنجینه‌های کشور ، هزاران سال خدمت و تجربه‌ی شهرسازی را در شناسنامه‌ی خود ثبت نموده است . گویی بین شهر و شهروندان توافقی نامبارک برقرار شده که هیچ میراث معماری‌ای را نسلی به نسل دیگر نسپارد ! به راستی چه نمادی را امروز در این دیار می‌توان یافت که ترجمان هویت شهری زیبا و آباد باشد، آن‌چنان که در متون کهن تاریخی و جغرافیایی به کرات از آن نام برده شده است ؟

ما از معماری و چگونگی شهرسازی در نهاوند قدیم اطلاعات جامع و مستند نداریم، ولی در صدسال اخیر به روایات راویان و گواهی اسناد ، شاهد تخریب گسترده‌ی بافت شهری و نابودی بناهای کهنی در این دیار بوده‌ایم ، که هر یک حاوی اطلاعات و تجربیات ذی‌قیمتی در معماری محسوب می‌شده‌اند. پی‌ریزی بنیان‌های شهرسازی نوین بدون انطباق با فرهنگ و معماری بومی ، خیابان‌های جدید الاحداث را به ازدهایی تبدیل ساخت که هویت نهاوندی و میراث کهن معماری ما را در کام خود بلعید .

سراهای زیبای بازار یکی پس از دیگری تخریب شدند و به جای آنان دالان‌های تاریکی، که هر دو سوی آن‌ها مغازه‌است، پدید آمد. نقش زیبا و دل‌نواز معماری «سرای نو» در ذهن و زبان سالمندان این دیار فراموش نشدنی است. با کمال تأسف، از بنای قیصریه، که یکی از مراکز مهم تجاری با ساخت و سازی رؤیایی بوده، تنها دو چنار عظیم و کهن سال یادگار مانده است که در درون دو حوض بی‌قواره حسرت رونق روزگار پیشین قیصریه را می‌خورند. هنوز داغ تخریب مدرسه‌ی علمیه با معماری زیبای آن که زمانی مَدْرَسِ آیت‌الله آقا میرزا آقا حجتی بوده است، در دلِ سال‌خوردگان این شهر التیام نیافته است.

بسیاری از خانه‌های بزرگ شهر که در بطن معماری خود هزاران ناگفته‌ی مردم‌شناسی را پنهان داشتند، در مسیر احداث خیابان‌ها تخریب شدند. هنوز فضای باز و زیبای ساختمان‌هایی، که در اواخر عمر خود، در آن‌ها ادارات، بانک‌ها و مراکز آموزشی استقرار یافته بودند، یادآور نوستالژی دوران کودکی و جوانی میان سالان امروز است. شیشه‌های رنگین ارسی‌ها، سقف‌های گچ‌بری یا تخته‌کوب شده‌ی زیبا، فضای امن اندرونی‌ها و محیط پر جنب و جوش بیرونی‌ها همه و همه در تهاجم تیر آهن‌ها از بین رفتند و تنها خاطره‌ی شورانگیز آن‌ها در یادها باقی مانده است.

اگرچه تغییر برخی از مؤلفه‌های شهرسازی، از جمله حذف دروازه‌ها و تغییر مبادی ورود به شهر و هم‌چنین وقوع حوادث غیر مترقبه‌ای مانند جاری شدن سیل، در روند این تخریب‌ها و تعویض کاربری‌ها نقش داشته‌اند، ولی بی‌گمان عامل انسانی با شیفتگی لجام گسیخته‌اش به جاذبه‌های معماری نوین و بی‌توجهی به معماری بومی در ساخت و سازهای جدید، در پروسه‌ی تخریب آثار معماری کهن این شهر نقش اساسی داشته است.

در احداث بناهای جدید، اگر اندکی توجه به همگونی بناهای جدید با بافت قدیم شهر و ساختمان‌های پیرامون می‌شد، نمای خیابان‌های شهر جلوه‌ی دیگری داشت و باچهره‌ی کنونی‌اش کاملاً متفاوت بود. نگاهی گذرا به ساخت و سازهای پیرامون میدان شریعتی شاهد این مدعاست. بناهای قدیمی دور میدان با طاق‌های «هلالی» و «ابرویی» و آجرهای خوش تراش و زیبا در کنار ساختمان‌های جدید، مجموعه‌ی نامتجانسی را پدید آورده است. اگر در نما سازی ساختمان‌های جدید این همگونی رعایت می‌شد آیا امروز شاهد میدانی تاریخی و زیباتر نبودیم؟

تهاجم گسترده به بناهای قدیمی شهر، نه تنها ساختار محلات را دگرگون ساخته، بلکه تعامل مردم را با یک‌دیگر، از منظر جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی، دست‌خوش تغییرات ناخواسته نموده است. امروز، دیگر از بسیاری محله‌های آباد شهر تنها نامی در اذهان باقی مانده است. به راستی محله‌ی چهارباغ کجاست؟

هر شهروند منصفی که بیست و پنج سال پیش محله‌ی گلشن را دیده باشد و امروز مجدداً آن را ببیند، می‌تواند قضاوت کند که قیچی یک خیابان بی سروته، آن را به دو نیم کرده و نه تنها این محله را از هویت خود دور ساخته که در تعامل مردم تأثیر منفی و گران‌باری بر جای نهاده است.

محله‌ی گلشن قبل از تغییر ساختار به وسیله‌ی دو کوچه‌ی باریک به محله‌های «کاریا» و «گائیلگه» ارتباط داشت و محوطه‌ای حدود ۴۰۰ متر مربع فضای آزاد داشت. در سه ضلع این فضای باز مسجد، حسینیه و حمام قرار داشت. در یک ضلع دیگر دارای سکوهایی (طاق‌نما) برای نشستن بود. دو کوچه این فضا را به خانه‌های محل متصل می‌کرد. کوچه‌ی جنب حسینیه، کوتاه بود که چهار حیاط در آن قرار داشت. کوچه‌ی جنب حمام بعد از ده متر به دو بخش منشعب می‌شد. در جنوب شرقی محوطه مظهر قناتی بود که عموم از آب آن استفاده می‌کردند. از آب قنات، قبل از مظهر دو

انشعاب برای مشروب کردن منازل کوچه‌ی جنوبی جدا می‌شد. چهار حیاط کوچه‌ی کوتاه فاقد آب جاری بودند و از آب قنات داخل محوطه استفاده می‌کردند. این محله تقریباً دارای چهل حیاط بزرگ (قِلاع) بود. در هر حیاط چندین خانوار زندگی می‌کردند. برخی از این منازل آن قدر بزرگ بودند که به باغی کوچک شباهت داشت. این منازل به باغچه (بَغِچَه یا بَخْشَه) مشهور بودند. در این محل دو باغچه‌ی بزرگ بود باغچه‌ی آقا ریحان «بَغِچَه آریحان» و باغچه‌ی اسدعباد «بَغِچَه اسدعباد»

ساختار معماری این محله نوعی از رفتار اجتماعی را بین اهالی رقم زده بود، که در آن جلوه‌های مهر، محبت، انسان‌دوستی، هم‌دلی و تعاون دیده می‌شد. جوانان آن روز این محله در بستر ساختار معماری آن، که موجب تعاون می‌شد، در قالب تیم‌های ورزشی، یا فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مانند عضویت در گروه ابوذر با هم روزگار می‌گذرانیدند. فضای باز محله مکان مناسبی بود که کودکان و نوجوانان با انجام بازی‌هایی مانند «شاپر»، «لُپرو»، «دورنَه»، «چش قامکی»، «اَلِک دَمبِک»، «گولو بازی»، «چنجه (هسته) هلوبازی»، «چنجه (هسته) خرما بازی»، «زو بازی»، «خاکِله میشو»، «تول تله بازی»، «لِنگرو»، «هفت سنگ»، «فوتبال»، «خط خاموش» و ... اوقات فراغت را سپری کنند. در ایام سوگواری روزها فضای محله شاهد انجام تعزیه و پرده خوانی بود.

احداث خیابان در وسط این محله نه تنها موجب نابودی برخی از خانه‌های مسکونی، مسجد و چشمه‌ی معروف آن شد، بلکه روحیه‌ی تعاون و مشارکت را هم در بین افراد محله مخدوش نمود. وجود چشمه‌ی آب جاری در این محله موجب شده بود که نام «سرچشمه دَعوی» نیز به این محله تعلق بگیرد.

نوشتار زیر مروری است بر معماری معاصر نهاوند و معرفی بناهایی که تخریب گشته و یا تغییر شکل داده‌اند. تلاش ما بر آن است که بسیاری از واژه‌ها، اسامی و اصطلاحاتی که در عرصه‌ی ساخت‌وساز کاربرد داشته و اکنون به بوت‌هی فراموشی سپرده شده، توضیح داده شود. روش تحقیق برای تدوین این مقاله بر اساس مشاهده و مصاحبه با افراد خُبره و کارشناس پی‌ریزی شده است.

مروری بر معماری معاصر نهاوند

قبل از کندو کاو در معماری نهاوند، اشاره‌ای کوتاه به مصالح ساختمانی بناهای قدیمی و نحوه‌ی تأمین آنان مناسب به نظر می‌رسد.

۱- خاک :

خاک یکی از اصلی‌ترین مصالح ساختمانی در بناهای قدیمی بوده است. خاک را یا از تخریب ساختمان‌های قدیمی و یا از اراضی پیرامون شهر تهیه می‌کرده‌اند.

۲- خشت :

عمده‌ترین مصالح ساختمانی در بناهای قدیمی خشت بوده است. تمامی دیوارها با خشت بنا می‌شده‌اند. در برخی از خانه‌های اعیانی برای روکار پایه‌های دیوارها از آجر استفاده می‌کردند. خشت‌مالی در ناحیه‌ی «قیسار» که دارای خاک سیاه بود انجام می‌شد. تیم خشت‌مالی از چهار نفر تشکیل می‌شد. یک نفر خاک را با کندن زمین فراهم می‌کرد. دو نفر دیگر خاک را تبدیل به گل می‌نمود و یک نفر هم پشت قالب می‌نشست و عمل خشت‌مالی را انجام می‌داد. قالب خشت‌مالی از جنس چوب بود و ابعاد آن بیست در بیست سانتی‌متر و، ارتفاع پنج سانتی‌متر بود. یک تیم خشت‌مالی روزانه بین چهار تا پنج هزار عدد خشت تولید می‌کرد.

۳- سنگ :

از سنگ در پی ساختمان‌ها ، ساخت حوض ، پلکان و سنگ‌فرش حیاط استفاده می‌شد. سنگ تراشان ، سنگ را از معدن، در ناحیه‌ی «چقا» با استفاده از مواد منفجره ، استخراج می‌کردند . به تخته سنگ بزرگ در معدن «کَمَر» و به قطعات مسطح سنگ «تَوَل» می‌گفتند. سنگ‌هایی که برای به کار گذاشتن نیاز به شکل دادن داشت توسط سنگ‌تراش ، تراشیده می‌شد . در سنگ‌فرش حیاط و برخی معابر از نوعی سنگ به نام «قُلوه» استفاده می‌شد. قلوه، سنگی بود که در آبرفت و مسیر رودخانه قرار می‌گرفت و بر اثر سایش به شکل کروی یا بیضوی در می‌آمد.

۴- آجر :

آجر از کوره‌پزخانه‌های اطراف شهر تهیه می‌شد. از جمله : ۱- کوره‌پزخانه‌ی حسن شهبازی در سنگ‌سوراخ ، ۲- کوره‌پزخانه‌های آقا محمود و مشهدی سیاه حمامی در سنگ‌سوراخ ، ۳- کوره‌پزخانه‌ی مشهدی مهدی زیرچقا ، ۴- کوره‌پزخانه‌های مشهدی باقر و محمودی در گل‌زرد .

آجر در دو اندازه به ابعاد بیست در بیست سانتی‌متر ، به ارتفاع پنج سانتی‌متر و در ابعاد ده در بیست با همان ارتفاع به نام «نیمه» ساخته می‌شد. سوخت کوره‌ی آجرپزی چوب و خزان بود. نوع خاکی که برای تهیه‌ی آجر استفاده می‌شد خاک رُس بود و از «پیل‌لاغه» تأمین می‌شد. در هر کوره‌ی آجرپزی دو روز صرف چیدن آجر و سنگ در کوره می‌شد و کوره برای پخت آجر سه‌روز روشن می‌ماند. آجر نهاوند ، آجر سفید بود. برای ساخت طاق ، آجرهایی که نیاز به شکل دهی داشتند توسط آجر تراش تراشیده می‌شد و سپس با سنگ پا آن را صاف می‌کردند . ذوق و دقت آجر تراشان سهم عمده‌ای در زیبایی طاق‌ها و نماهای آجری داشت.

۵- آهک :

کوره‌پزها سنگ‌هایی را که از ناحیه‌ی «چقا» تهیه می‌کردند تا نیمه در کوره می‌ریختند. سپس آجر خام قالب زده را، که به آن «خام پخته» می‌گفتند، روی آن، می‌چیدند. بعد از خاموش شدن کوره، سنگ‌ها به آهک تبدیل می‌شدند. معمولاً در هر وعده پخت کوره ده تا پانزده هزار آجر و هشت تا ده خروار آهک تولید می‌شد. از آهک در پی‌ریزی ساختمان برای «شفته‌ریزی» و تهیه‌ی «ساروج» استفاده می‌شد.

۶- ساروج :

از این ملات ساختنی در عایق‌بندی حوض، ساختمان حمام و خزینه استفاده می‌شد. ساروج ماده‌ای محکم و نفوذناپذیر در برابر آب بود. استحکام و سختی ساروج آن قدر زیاد بود که به مثل، هر چیز محکمی را به ساروج تشبیه می‌کردند. ساروج را معمار ساختمان به شرح زیر تهیه می‌کرد:

مقداری آب به آهک می‌پاشیدند تا آهک از حالت کلوخ خارج شود. به این عمل «شکفته‌شدن» آهک می‌گفتند. آن‌گاه آهک را سرنده می‌کنند تا ریگ و سنگ از آن جدا شود. سپس به نسبت مساوی آهک و خاکستر سرنده شده را با هم مخلوط می‌کردند. آن‌گاه مقداری آب به این مخلوط اضافه می‌کردند و آن را با چوب می‌کوبیدند. این عمل هم‌چنان ادامه می‌یافت تا ملات به شکل گِل درآید. اشکال این ملات خاصیت چسبندگی آن بود. از این رو برای از بین بردن چسبندگی به آن «گرپی» اضافه

۱- گرپی : در حاشیه‌ی رودخانه‌ها و مرداب‌ها گیاهی به شکل نی می‌روید که میوه‌ی آن در بالای آن و به شکل مخروطی است. رنگ پوسته‌ی آن قهوه‌ای و درون آن سفید است. نام فارسی و مصطلح این گیاه «لویی» است. گرپی اصطلاح نهاوندی «گل لویی» است. نام دیگر این گیاه در نهاوند «گوش کرکونک» است. میوه‌ی این گیاه را خشک می‌کردند و بعد آن را می‌کوبیدند، ماده‌ای شبیه پنبه تولید می‌شد که از آن در تهیه‌ی ساروج استفاده می‌شد. نام فارسی این گیاه تیرکمان آبی است.

می‌کردند. بعد از رفع چسبندگی، زمانی که ملات به بیل یا ماله نمی‌چسبید، آن را مورد استفاده قرار می‌دادند. در ساخت حمام و یا حوض‌های بزرگ، جهت بالا بردن سختی ساروج، به ملات تهیه شده، سفیده‌ی تخم‌مرغ نیز اضافه می‌کردند.

۲- چوب :

الف- تیر : برای تهیه‌ی تیر جهت پوشش سقف از درختان تیریزی «راجی» و سپیدار استفاده می‌شد. چوب بُران و نجاران بعد از قطع کردن درختان، تنه‌ی آنان را به چوب‌خانه یا «چوخونه» در شهر انتقال می‌دادند. عده‌ی زیادی از مردم، که بین آن‌ها زنان و کودکان به وفور دیده می‌شد، برای تهیه‌ی سوخت زمستان داوطلبانه پوست درختان را می‌کنند و شاخ و برگ آن‌ها را جمع‌آوری و در خانه‌های خود انبار می‌کردند.

ب- داریکه : در چوب‌خانه‌ها، نجارها چوبی را به عرض پنج سانتی‌متر و طول شصت سانتی‌متر می‌بریدند و دو طرف آن را می‌تراشیدند. این قطعه چوب در گویش نهاوندی «داریکه» نامیده می‌شد. هنگامی که تیرهای چوبی را روی دیوارها به فاصله‌ی پنجاه سانتی‌متری قرار می‌دادند، «داریکه»ها را یک‌درمیان روی تیرها می‌چیدند و بعد روی آن حصیر پهن می‌کردند. نوعی داریکه به نام داریکه فیله‌ای بود که کاملاً صاف، سمباده خورده و نازک‌تر از داریکه معمولی بود. این داریکه را چسبیده به هم و به طور مورب یا جناغی روی تیرها می‌چیدند.

ج - ناودان : «سیل» [سول] - برای هدایت آب باران از پشت بام از ناودان‌های چوبی استفاده می‌شد. تکه چوبی را به طول متفاوت نیم تا یک متر و به عرض ده سانتی‌متر

انتخاب می کردند و درون آن را می تراشیدند و به طور افقی در جلو بام قرار می دادند ، به آن «سیل» می گفتند.

د- در حیاط (در قِلاع): این در دولنگه داشت و از چوب قطور ساخته می شد . بیش تر اوقات دو یا سه تخته چوب کلفت را به وسیله ی گیره های آهنی به نام عقربه «عقرّوه» به هم وصل می کردند. درهای حیاط از تزییناتی مانند گل میخ^۱ برخوردار بود. هم چنین دارای ایزاری آهنی بود که در راه به چهار چوب فوقانی جهت قفل کردن وصل می کرد. به این ایزار آهنی شب بند «شو وَن» می گفتند. درهای حیاط حول محوری آهنی در بالای و پایین می چرخیدند . محور آهنی از بالا در سوراخ داخل تخته چوبی، که بالای چهارچوب قرار داشت ، و از پایین در سوراخ سنگی که در سطح زمین تعبیه گردیده، کار گذاشته شده بود . به این اتصالات، که مانند لولا عمل می کرد، به گویش نهاوندی «گیجن» می گفتند. در مثل به کسی که در کاری زیاد سماجت می کرد، می گفتند : «فلانی گیجنِ درِ آجا دروُد!» (فلانی پاشنه ی در را از جایش درآورد!) ، یعنی خیلی سمج است . هر در دو در کوب داشت. یک در کوب چکشی و دیگری شکل حلقه داشت و صدای آنان با هم تفاوت داشت . کوبه ی چکشی ویژه ی دق الباب کردن مردان و کوبه ی حلقه ای اختصاص به زنان داشت . پشت در وسیله ای چوبی به نام «کلون» داشت که از آن برای بستن در از داخل حیاط استفاده می شد.

ه- در اطاق : این در معمولاً دو لنگه بود. گاهی بالای چهارچوب آن ها شیشه می خورد. قسمت زیرین هر لنگه تخته کوب و اغلب شکل مستطیل برجسته داشت و قسمت بالای آن دارای دو یا سه قاب مربع بود . این قاب ها برای درهای داخلی با چوب و برای

۱- درباره ی «گل میخ» و سایر تولیدات آهنگری به مصاحبه ی با آقای نصرت الله قیاسی در فرهنگان ۱۲

درهای مشرف به ایوان یا حیاط با شیشه - برای نورگیری - پُر می‌شدند . به هریک از این قسمت‌های مربعی «لُغَت» گفته می‌شد .
 و - اُرسی : «ارسی» پنجره دری بود که در جلو خانه‌های بزرگ مشرف به حیاط کار گذاشته می‌شد . درهای آن به حالت کشویی رو به بالا باز می‌شدند . برای تزئین آن از شیشه‌های رنگین «وَنَدیک» استفاده می‌شد . جلو برخی از اتاق‌ها که ارسی داشتند فضایی بالاتر از سطح حیاط قرار داشت، که به آن «تارمی» می‌گفتند .

۸- محصولات سفالین :

صنعت سفالگری (کیزه پزی) در ساخت و ساز کاربرد زیادی داشت . سفالگران بیش تر در بازار پالان دوزها مستقر بودند . خاک مورد استفاده‌ی آنان از محلی در ناحیه‌ی گرجیان «گَر جیو» نزدیک مظهر قنات آن «منطقه‌ی قرقره^۱» تأمین می‌شد . به ناحیه‌ای که خاک را از آن برداشت می‌کردند خاک کنان «خاک گنو» می‌گفتند .
 از محصولات سفالین که در ساخت و ساز به کار می‌رفت، می‌توان موارد زیر را ذکر نمود .

الف - تنور جهت پخت نان که در مطبخ تعبیه می‌شد .

ب - ساخت پوششی برای دور چاه، جهت جلوگیری از ریزش خاک و سقوط افراد به داخل چاه . این وسیله «کول» [کلاف چاه] نامیده می‌شد .

ج - کوره دیگ پزی «دیه پزی» - از این سفال برای آشپزی استفاده می‌کردند و معمولاً در گوشه‌ی حیاط و گاه در مطبخ تعبیه می‌شد . روی آن یک دیزی سفالی جای می‌گرفت .

د- لوله‌های سفالین برای انتقال آب که گنگ نامیده می‌شد: چند نوع (گنگ) یا لوله‌ی سفالین برای انتقال آب ساخته می‌شد که بر حسب اندازه و قطر نام‌های خاص داشتند.

۱- لوله‌ی شاهی «گنگ شایی» - این لوله از سایر لوله‌ها قطورتر بود. طول آن سی‌سانتی‌متر و قطر آن بیست سانتی‌متر بود. از این لوله برای انتقال آب از حیاطی به حیاط دیگر استفاده می‌شد.

۲- لوله‌ی وزیری «گنگ وزیری» - طول و قطر این لوله از نوع شاهی کم‌تر بود. این لوله را به قطر پانزده و طول بیست‌سانتی‌متر می‌ساختند.

۳- لوله‌ی تنگ و باریک - این لوله‌ها به قطر هفت و به طول بیست‌سانتی‌متر به نام لوله‌ی سگ‌رو (گنگ سی‌رو) و با قطر پنج سانتی‌متر و با همان طول به نام لوله‌ی موش‌رو (گنگ میش‌رو) وجود داشت که از آن‌ها برای انتقال آب از پاشویه‌ی حوض به باغچه استفاده می‌شد.

شکل هر لوله (گنگ) طوری بود که یک‌طرف آن نازک‌تر از طرف دیگر بود. وصل کردن و به کار گذاری آن‌ها به «گنگ‌ون» موسوم بود. برای «گنگ‌ون» لازم بود در مسیر لوله‌ها چاله‌ای کنده می‌شد تا دو طرف «گنگ‌ون» به این چاله متصل شود. بعداً این چاله را آجرچین می‌کردند و سنگی روی آن می‌گذاشتند تا در هنگام گرفتگی لوله‌ها از آن‌جا به رفع اشکال پردازند. به این گودال «تغارچه» و به عمل پاک کردن لوله‌ها از تغارچه «توپه کشی» می‌گفتند.

۹- «خاک سفید» :

نام دیگر آن «خاک شیر» بود و برای سفید کردن دیوارهای اتاق مصرف داشت. برای تهیه‌ی آن به محلی مراجعه می‌کردند که هم اکنون به منطقه‌ی جوادیه نامیده شده است. بعد از تهیه‌ی خاک و سرند نمودن، آن را به صورت گِل نرم در می‌آوردند و با پارچه‌ای به دیوار اتاق جهت سفید کردن به روی کاهگل می‌مالیدند.

۱۰- خاک سبز:

در برخی خانه‌های اعیانی از خاک سبز، که در زیر چقا موجود بود، برای پوشش داخلی خانه استفاده می‌کردند. خاک سبز را بعد از سرند کردن با «کَریسی» و آب مخلوط می‌نمودند و گل آن را با ماله به دیوار می‌مالیدند.

۱۱- گچ:

در اوایل دهه‌ی سوم قرن حاضر (حدود پنجاه شصت سال پیش)، «گچ» در عرصه‌ی ساخت و ساز نهاوند وارد شد. استفاده از گچ، به دلیل مخارج زیادی که صرف تهیه و آماده کردن آن می‌شد، تا سال‌ها بعد فراگیر نشد. گچی که آن سال‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت به شکل «نخاله» بود. ابتدا آن را می‌کوبیدند و بعد با آسیاب دستی (دَسَر*) پودر می‌کردند و سپس با «سرند ریزی» آن را صاف می‌کردند. مخلوط گچ و آب را پس از دو دقیقه به گچکار می‌دادند تا به وسیله‌ی ماله روی دیوار بمالد. به این گچ «گچ آماده» می‌گفتند و در زیرسازی استفاده می‌شد.

مشکل اصلی این گچ ناصافی و کدر بودنش بود. برای برطرف کردن این عیب، لایه‌ی نازکی از گچی به نام «کُشته» روی آن می‌مالیدند. طرز آماده کردن «گچ کُشته» به این طریق بود که گچ را بعد از کوبیدن، آسیاب و سرند کردن در کیسه‌ای از جنس

* - دَسَر: دو سنگ همتا و مدور بود. در مرکز سنگ زیرین چوبی قرار داشت که از میان سوراخ مرکزی سنگ رویی بیرون می‌آمد. قطر سوراخ سنگ رویی حدود یک و نیم برابر قطر چوب بود. از دسر اغلب در آسیاب کردن گندم و تهیه‌ی بلغور «أروش» استفاده می‌شد. یک نفر دانه‌های گندم را در سوراخ وسطی در کناره‌های چوب می‌ریخت و نفر بعدی با گرفتن چوبی که در کناره‌ی سنگ رویی تعبیه شده بود، سنگ رویی را حول چوب مرکزی سنگ زیرین می‌چرخاند. این عمل موجب آسیاب کردن گندم می‌شد. برای دَسَر کردن گچ، جهت نچسبیدن گچ به سطح سنگ‌ها و تسهیل عمل چرخش، حلقه‌ای فلزی از چوب عبور می‌دادند تا بین سنگ رویی و زیرین قرار می‌گرفت و فاصله‌ی دو سنگ را بیش‌تر می‌کرد.

ململ یا متقال می‌ریختند و با تکان دادن متناوب آن، گچی را که از کیسه خارج می‌شد، پس از جمع‌آوری، آن را برای تهیه‌ی گچ کشته مورد استفاده قرار می‌دادند. سپس آن بود که در آن هنگام الک‌های بسیار ریزی، که بعداً به نام الک حریری رایج شد، وجود نداشت. بنابراین برای گچ کردن اتاقی، یک بنا و هفت کارگر نیاز بود. دو نفر برای کوبیدن گچ، دو نفر برای آسیاب کردن، دو نفر برای سرند کردن لازم بودند و یک نفر هم گچ را برای بنا آماده می‌کرد. گرانی هزینه‌ی اجرت هفت کارگر و یک بنا موجب می‌شد که تا قبل از تولید گچ کارخانه‌ای، از این ماده به ندرت در سفید کردن اتاق‌ها استفاده شود.

۱۲- میل یزد (میل یز):

این گیل در اصل کلوخ‌های سفیدی بود که بعد از خیس کردن و صاف نمودن آن به وسیله‌ی کیسه‌ی متقال یا ململ، آن را با پنبه روی گچ می‌مالیدند. این ماده دو خاصیت داشت، اول آن که دیوارهایی را که گچ آن‌ها کثیف شده بود سفید می‌کرد و دوم آن که مالیدن آن روی گچ مانع از سفید شدن لباس‌ها بر اثر تکیه دادن به دیوار گچی می‌شد.

۱۳- کاه:

کاه در ساختمان‌سازی در تهیه‌ی کاهگل برای پوشش دیوارهای خشتی و پشت‌بام استفاده می‌شد.

«نگاهی به ساختمان یک منزل عادی»

در یک منزل (قلاع) عادی، معمولاً در دو سمت و گاهی در سه سمت حیاط، خانه (اتاق) می‌ساختند. بنای ساختمان معمولاً یک طبقه و در برخی موارد دو طبقه بود. در برخی ساختمان‌ها، بنای اصلی را یک تا یک و نیم متر بالاتر از کف زمین بنیان می‌نهادند و زیرزمینی در زیر بنا می‌ساختند که به آن شبستان (شوسو) می‌گفتند. در هر حیاط فضایی برای مطبخ اختصاص می‌یافت که در آن تنور برای پختن نان تعبیه می‌شد. و نیز در مطبخ، چند اجاق برای پخت غذا ساخته می‌شد. قسمتی از مطبخ برای انبار کردن هیزم اختصاص می‌یافت. تهویه‌ی هوای مطبخ و خارج شدن دود، توسط دودکش‌هایی که در سقف کار می‌گذاشتند صورت می‌گرفت.

مستراب (مستراح) :

مستراب، که در بعضی جاها به آن موال (مبال) هم گفته می‌شد، اغلب در پایین حیاط، دور از خانه‌های نشیمن ساخته می‌شد. در نزدیک آن (توالت)، چاه مخصوص توالت حفر می‌شد. در داخل مستراب کاسه‌ی توالت را، که به آن «کُر» می‌گفتند و آن را در زمین می‌کنند و با سنگ یا آجر می‌چیدند، تعبیه می‌نمودند. در صحن حیاط به فاصله‌ی نسبتاً نزدیک با چاه، گودالی به شکل مستطیل یا مربع به ابعاد تقریبی ۲×۲ و به عمق یک تا یک و نیم متر حفر می‌کردند که خاکسترو (خاکستردان^{*}) نامیده می‌شد. هنگام پر شدن چاه مستراح، کُناَس به وسیله‌ی دلو و طناب (دَلَم - چَلَه) چاه را خالی

* - خاکسترو در اصل خاکستران است. مرکب از خاکستر و پوند مکانی «ان» به معنای جای ریختن

می کرد و آن را در «خاکسرو» می ریخت. پس از آن، چند بار خاک به آن اضافه می کردند. بعد از چند روز، خاکها را که با مواد تخلیه شده مخلوط و سفت شده بود به عنوان کود برای زمینهای کشاورزی به کمک الاغ به خارج از شهر انتقال می دادند.

باغچه (خرنگ) :

تقریباً در تمامی حیاطها باغچه وجود داشت و آب آن از حوض یا چاه تأمین می شد. و در داخل باغچهها نیز معمولاً چند درخت مثل توت و چنار و یا سیب و گلابی و آلوبالو وجود داشت.

حوض :

مالکان حیاطهایی که از آب قناتها استفاده می کردند، حوضی وسیع به شکل دایره، مستطیل یا مربع در وسط حیاط خود می ساختند. آب قنات به وسیلهی مجرایی موسوم به فواره در وسط، وارد حوض می شد و از مجرای کناره حوض و پاشویهها خارج و به حیاط بعدی می رفت. در برخی منازل مظهر قنات در عمق چندین متری زمین باز می شد که به وسیلهی پله به صحن حیاط راه می یافت و به آن کاهریز «کریز» می گفتند. شهرت برخی خانهها به واسطهی وجود «کریز» بود. بقایای خانهای که به نام «قلا کریزی» نامیده می شد در خیابان شریعتی کنونی هنوز وجود دارد. سرچشمهی آب این «کریز» از «چشمه آبدال» بود. داشتن آب جاری یا کاهریز برای خانهها یک امتیاز بود و در خرید و فروش، نسبت به خانههای دیگر با قیمت بیش تری معامله می شد.

چاه :

در خانه‌هایی که آب قنات جاری نبود، برای تأمین آب آشامیدنی چاه حفر می‌شد. دور چاه به وسیله‌ی یک پوشش سفالین به نام «کِوَل» محافظت می‌شد. «کِوَل» هرم ناقصی بود که مساحت قاعده‌ی دایره مانند آن تقریباً دو برابر مساحت سطح بالایی بود. ارتفاع آن حدود ۷۵ سانتی‌متر بود.

برای استخراج آب چاه، بیش‌تر از دلو و طناب «دَلْمُ چَلَه» و در برخی موارد از چرخ چاه استفاده می‌شد. در سال‌های بعد، قبل از لوله‌کشی، مکینه (تلمبه)های فلزی رایج شده بود. در حیاط‌هایی که آب باران و فاضلاب آن راه به خارج نداشت، چاه کم عمقی موسوم به چاه پیته (یا چاه پونه و یا چاه خالی از آب) حفر می‌کردند، تا فاضلاب و آب باران در آن انباشته و جذب زمین شود.

طاق‌نما:

در دیوارهای قطور حیاط، بخشی از دیوار را به ایجاد سکوهایی که بر فراز آن طاق هلالی زده بودند اختصاص می‌دادند. این سکوها جهت نشستن و یا گذاشتن اشیائی مانند گلدان و کوزه ترشی و ... به کار می‌رفت و به این مجموعه به نام «طاق‌نما» می‌گفتند. ساخت طاق‌نما بیش‌تر جنبه‌ی تزیینی و روئینایی داشت.

کف حیاط :

بخش دیگری از قلا (خانه) به محوطه و کف حیاط اختصاص داشت. پوشش کف حیاط معمولاً با سنگ صاف، آجر و یا سنگ قلوه بود.

پوشش دیوارهای حیاط:

دیوارهای خشتی حیاط را با کاهگل می‌پوشاندند. تنها در برخی از ساختمان‌ها، جلوی پایه‌های در حیاط و طاق نماها را آجرچینی می‌کردند که در عرف محل، نشان مکتب و تشخص صاحب‌خانه بود. این نماد موجب پیدایش ضرب‌المثل «فلانی سر در خونش آجریه» شده بود، کنایه از ثروتمند بودن صاحب‌خانه! هم‌چنین اگر کسی به خواستگاری دختری می‌رفت که خانه‌ی پدرش سر در آجری داشت می‌گفتند: «فلانی به خانه‌ای برای وصلت رفته که سر درش آجری است»، یعنی از خانواده‌ی ثروتمندی دختری به همسری گرفته است.

انواع طاق:

بر حسب شکل هندسی طاقی که در نما استفاده می‌شد، طاق‌ها نام‌های مختلفی داشتند. برای مثال می‌توان از طاق هفت و پنج، طاق ابرو (آبری)، طاق شاخ گوزنی، طاق هلال و طاق روسی نام برد. در برخی خانه‌ها، با توجه به موقعیت و شغل ساکنان آن‌ها، برای پوشش سقف کاهدان و طویله از طاق خشتی استفاده می‌کردند، که «طاق سیس» نامیده می‌شد. طاق تنور نانوايي سنگگي را با آجر «خام پخته» می‌زدند و از آجر پخته استفاده نمی‌شد.

ساختمان اتاق:

معمولاً دو یا سه طرف حیاط را خانه (اتاق) می‌ساختند. در برخی از خانه‌ها، در جلوی اتاق فضایی بود که از کف زمین بالاتر بود و سقف داشت. این فضا را ایوان (ایوو) می‌نامیدند. اگر همین فضا فاقد سقف بود به آن «تارمی» می‌گفتند. ایوان بیش‌تر در مسیر ورودی اتاق و تارمی در جلوی ارسی‌ها بود. دیوارهای داخل اتاق، که معمولاً قطور هم بودند، به طاقچه و رف (رَفِه)‌های متعدد مجهز بود و محل چیدن اسباب‌خانه

بودند. طاقچه‌ها در سطح پایینی دیوار و رف‌ها در سطح بالای دیوار، دور تا دور هر اتاق، تعبیه می‌شد. در انتهای هر اتاق پستویی ساخته می‌شد که با دری کوچک به اتاق ارتباط می‌یافت. این پستو به نام «صَنُوخُنَه» نامیده می‌شد. در صندوق‌خانه بخشی برای انبار کردن زغال به نام زغالدان «زُغَالِدُو» اختصاص می‌یافت. از بخشی دیگر هم به عنوان «انباری» استفاده می‌کردند. یخدُ (یخدان) و مژدی (مِجری) را در «انباری» نگه می‌داشتند. یخدُ به صندوق‌های چوبی بزرگ ساده یا تزیین شده به وسیله‌ی مخمل و آهن می‌گفتند و صندوق‌های کوچک را مژدی می‌نامیدند. در یخدُ و مژدی لباس، حبوبات، قند و شکر و اسناد و مدارک اهل خانه را نگهداری می‌کردند.

کف هر خانه (اتاق) گودالی، کمی بزرگ‌تر از ابعاد کرسی، حدود یک‌متر و بیست‌سانتی‌متر در یک‌متر و بیست‌سانتی‌متر و به عمق ده تا پانزده سانتی‌متر حفر می‌کردند و در وسط آن منقلی گلی برای قرار دادن آتش کرسی ساخته می‌شد. به این منقل «کلک» و به این گودال «چاله کرسی» می‌گفتند. در تابستان این فضا را با پوششی چوبی به نام «تخته کرسی» می‌پوشاندند. در زمستان پایه‌های کرسی را در چاله کرسی قرار می‌دادند. در نتیجه اطراف کرسی (قیده‌ها) ثابت و محکم می‌شد. به وسط هر کرسی زنجیری آهنی آویزان بود که بالای «کلک» قرار می‌گرفت و به آن «چنگک» می‌گفتند. دیگ گلی (دیه گلی) آبگوشت را بانوی خانه برای طبخ در زمستان به «چنگک» آویزان می‌کرد. زغال را به وسیله‌ی «کلاینه» از زغالدان به کرسی منتقل می‌کردند. «کلاینه» ظرفی بود که از فضولات گاو (تپاله) ساخته می‌شد و برای جابه‌جایی زغال در زغالدُ (زغالدون) نگه‌داری می‌شد.

در برخی خانه‌ها در دل دیوار، فضایی به نام «بخاری» می‌ساختند که به وسیله‌ی دودکش به بام راه داشت. در زمستان، در این اجاق دیواری برای گرم‌سازی همیشه (خیمه) می‌سوزاندند.

بام :

راه ارتباط بام خانه به حیاط از طریق پله یا نردبان بود. مدخل ورودی به بام را با پوششی شیب‌دار می‌پوشاندند که به آن «درونه» می‌گفتند. بام خانه‌ها را با کاهگل می‌پوشاندند. در هر پشت‌بام استوانه‌ی سنگی وزینی به طول حدود ۷۵ سانتی‌متر و قطر بیست سانتی‌متر بود که به آن بورگلو (بام‌غلطان) می‌گفتند. در هر پاییز یکی از کارهای مرد خانه «بورگلو کردن» بام بود. به این طریق که مقداری نمک در روی بام می‌پاشیدند، بعد بام غلطان را به حرکت در می‌آوردند. با این کار منافذی که در بام وجود داشت و موجب چکه کردن سقف می‌شد، مسدود می‌شد.

در اواخر دهه‌ی سوم قرن حاضر، ساخت و ساز در باغچه‌ی احمدی، توکلی و اسفندیاری و نیز باغ موقوفه‌ی آقابزرگه رونق گرفت. در این زمان ساختمان‌های مدرن‌تری ساخته شد. در این ساختمان‌ها «خاکسترو» از نقشه‌ی حیاط حذف شد. در یک سوی حیاط سه اتاق می‌ساختند. اتاق وسطی کوچک‌تر از اتاق‌های جانبی بود. درهای دو اتاق جانبی به ایوان جلو اتاق وسطی باز می‌شد. اتاق وسطی «قهوه‌خانه» نامیده می‌شد. این نقشه و این طرز خانه‌سازی در آن زمان به نام «نقشه‌ی آبگوشتی» معروف بود. در سوی دیگر حیاط آشپزخانه توالت و انباری ساخته می‌شد.

نمای یک خانه‌ی اعیانی :

ساختار یک خانه‌ی اعیانی دارای دو بخش مجزا بود. الف - بیرونی، ب - اندرونی

الف - بیرونی :

بیرونی این خانه‌ها شامل چند اتاق برای پذیرایی از میهمانان مرد خانه بود. در این محل آبدارخانه وجود داشت که در آن آبدارچی وظیفه‌ی فراهم آوردن وسایل پذیرایی از میهمانان را به عهده‌داشت.

ب- اندرونی :

این بخش از خانه شامل اتاق‌هایی برای سکونت صاحب‌خانه و خانواده او بود. در برخی خانه‌های اعیانی مانند منزل ظفرالسلطان، منزل شهاب‌السلطان، منزل علوی‌ها در کوچه‌ی سیده‌ها، منزل حاج یحیی خان، منزل علی‌اکبر خان فرزند منزل حاج آقا حسین و ... حمام وجود داشت که مدل کوچکی از حمام‌های عمومی بود. در این بخش حیاطی به نام «قلا مطبخ» هم وجود داشت که محل طبخ غذا بود و به اندرون نیز راه داشت. «قلا طوله*» هم به بیرونی راه داشت.

نگاهی به معماری بازار نهاوند

بخش اعظم بناهای زیبای بازار قدیم نهاوند مانند قیصریه، برخی از سرای‌ها و مدرسه‌ی علمیه آقا میرزا آقا یا از بین رفته و یا تغییر شکل داده‌اند. با بررسی معماری بازار، سعی شده آن‌چه در عرصه‌ی واقعیت از بین رفته است، حداقل در این نوشتار، از آن یاد شود تا انگیزه‌ای برای محافظت از بناهای باقی‌مانده و رعایت مؤلفه‌های معماری قدیمی در ساخت و سازهای نو شود.

بازار نهاوند از کوچه‌ی گیان راه (گیورا) شروع می‌شد و تا پای قلعه امتداد می‌یافت. با آن که خیابان‌های آزادگان و هفده شهریور موجب گسست بازار شده‌اند، اما بافت بازار هم‌چنان باقی است. بازار راسته میرزا آقا، چهار سوق و قیصریه تقریباً از بین رفته است. ابتدای بازار بعد از تقاطع خیابان هفده شهریور، بازار سنگ میل نام دارد. در انتهای بازار سنگ میل، راسته‌ی صمصام از بازار منشعب می‌شود که در گذشته به محله‌ی کلیمی‌نشین شهر ختم می‌شده است.

* - قلا طوله (حیاط طویله) محل نگهداری حیوانات بوده است.

محلّه‌ی کلیمی‌ها که با احداث خیابان فجر اسلام و مهاجرت کلیمی‌ها، کلاً از بین رفته است، محلّه‌ی وسیعی بود که در آن حمام، کنیسه، یک دبستان و کاربا (کارگاه روغن‌کشی) قرار داشت. این محلّه به دلیل تمرکز همشهریان کلیمی در گذشته و وجود مراکز درمانی مانند مطب پزشکان و داروخانه‌ها، جایگاه رفت و آمد بسیاری از مردم شهر و روستا شده بود.

بازار کنونی به وسیله‌ی معبری باریک به کاروانسرای در بازار قیصریه به نام کاروانسرای کوچک «کارمسرا کوچک» و از آن طریق به قیصریه و چهار سوق مرتبط می‌شده است. از این معبر تنها مدخل ورودی آن به بازار که اکنون به شکل پله به خیابان قیصریه راه دارد، باقی مانده است. در بازار یک مسجد قدیمی به نام مسجد جامع (مسجد امام حسن - ع) قرار دارد که در بازار پالان‌دوزها واقع است. کف مسجد جامع با بام کاروانسرای کوچک (کارمسرا کوچک) در قیصریه مماس و هم سطح بوده است. مساجد دیگر بازار، مسجد سرداب و اباصالح (امام‌زاده خرابه) است که بنای جدید دارند.

بازار نهند تا اواخر دهه‌ی چهل‌سنگ‌فروش بود و سقف نداشت. بعد از آن کف بازار موزائیک و سقف آن شیروانی شد.

کاروانسراهای (کارم سراهای) بازار!

از ابتدای کوچه گیان راه (گیورا) تا انتهای بازار، کاروانسراهای (کارمسرا) زیر وجود داشته است:

- ۱- کاروانسرا (کارمسرا)ی کوچه گیان راه به نام کاروانسرای انار «کارمسرای انار» که تجاری نبوده است و در آنجا بیش‌تر از احشام نگه‌داری می‌کردند.
- ۲- کاروانسرای حاجی باقر رسولیان در بازار سرداب که اکنون از بین رفته است.

- ۳- کاروانسرای مش محمد مهدی و آقا اسدالله رسولی، که اکنون وجود دارد. یک در آن به راسته‌ی صمصام و در دیگر به خیابان هفده شهریور باز می‌شود.
- ۴- کاروانسرای گلشن، که اکنون وجود دارد. یک در آن در بازار نزدیک حمام قاضی و در دیگر به خیابان هفده شهریور رو به روی مسجد سرداب باز می‌شود.
- ۵- کاروانسرای حکیم حق‌نظر که بعداً توسط حاج روح‌الله رهبری خریداری شد. اکنون تخریب شده و به جای آن مغازه احداث شده است.
- ۶- کاروانسرای نو، که اکنون تخریب شده و به جای آن راسته بازاری احداث شده است که یک در آن به بازار و در دیگر به خیابان قیصریه باز می‌شود. در مورد این بنا توضیح بیشتری خواهیم داد.
- ۷- کاروانسرای حاتم، که در بازار بزازها قرار داشت. این کاروانسرا اکنون تخریب شده و به جای آن راسته بازاری احداث شده است. این بنا هم دارای دو در بوده که به بازار راه داشته است.
- ۸- کاروانسرای کوچک (کارمسرا کُچِکِه)، که در بازار قیصریه بوده و به بازار اصلی راه داشته است. اکنون تخریب شده است. تمامی این کاروانسراها، جز کاروانسرای انار، تجاری بوده‌اند و در آن‌ها تُجَّار حجره داشته‌اند.

کاروانسرای نو (کارمسرا نو)

این کاروانسرا بالاتر از کوچه‌ی قرض داران قرار داشت و مجموعه‌ی آن، یکی از پر رونق‌ترین مراکز تجارت در بازار بوده است. معماری زیبای بنای آن در یادها ماند.

است. ساختمان این کاروانسرا^۱ بر اثر حریق و بعداً احداث خیابان قیصریه^۲ کاملاً تخریب شد. بعد از مدت‌ها، که به حالت مخروبه بود، به جای آن پاساژی ساخته شد که با دو در به بازار و خیابان قیصریه مرتبط می‌شود.

معماری کاروانسرای نو :

سرای نو با سه طبقه بنا دارای سه در اصلی بوده است. یک در کوچک، این بنا را به کوچه‌ی قرض‌داران مربوط می‌کرده است. این در به طویل و جای نگهداری احشام منتهی می‌شده است.

ورودی‌های کاروانسرای نو:

۱- ورودی‌های طبقه‌ی هم کف: مدخل کنونی پاساژ به بازار یکی از ورودی‌های اصلی بوده است. این در به فضای بازی که محل فرود بار احشام بوده و به نام بارانداز نامیده می‌شده باز می‌شده است. بارانداز به وسیله‌ی دالان باریک و مسقفی به طبقه‌ی هم کف که دور تا دور آن حجره‌ی تجار قرار داشته ختم می‌شده است. به این محل «تاجرنشین» اطلاق می‌شده است.

۱- این حریق در زمانی بود که تجار معتبری مثل مرحوم آقای بدیع (حسین قربانی) و حاج نبی عباسی و تجار دیگر در آن‌جا حجره و مال‌التجاره‌ی فراوان داشتند. تا آن‌جایی که حافظه‌ی یاری می‌دهد این حریق در اوایل نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۱۳۲۰ اتفاق افتاد. (سردبیر)

۲- تا آن‌جایی که به خاطر می‌رسد آغاز و انجام این خیابان (سعدی فعلی) در طول دهه‌ی ۱۳۴۰ بوده است. (سردبیر)

در دیگر در ضلع جنوبی سرای به کوچه‌ای منتهی می‌شده که به مسجد خدا رحم راه داشته است. جای این در به‌طور تقریبی در محلی بوده است که اکنون در خیابان قیصریه به «دوشیره» معروف است. ساختمان ورودی‌های هم کف قرینه بوده‌اند. یعنی از بار انداز به وسیله‌ی دالان مسقف به تاجرنشین ختم می‌شده‌اند.

ورودی طبقه‌ی فوقانی: طبقه‌ی فوقانی هم‌سطح بازار بوده است. پنجاه متر بالاتر از مدخل ورودی بازار به طبقه‌ی هم کف، دالانی باز را به طارمی طبقه‌ی هم کف مرتبط می‌کرده است. دور تا دور این طارمی حجره بوده است. حجره‌هایی که در مجاورت بازار قرار داشته‌اند دارای دو در بوده‌اند که به طارمی سرای و به بازار راه داشته‌اند. سه راه‌پله طبقه‌ی فوقانی را به هم کف متصل می‌کرده است.

طبقه‌ی تحتانی سرای: هر حجره‌ی طبقه‌ی هم کف، در زیر خود انباری داشته است که راه ورودی به آن از خود حجره بوده است.^۱

آب‌انبارهای نهاوند

شرایط اقلیمی، وفور آب و وجود کاریزها در نقاط مختلف موجب شده بود که آب‌انبار، هم در ساختار شهری و هم در ساختمان‌ها، نقشی نداشته باشد. با این حال شهر دارای سه آب‌انبار عمومی بود.

۱- همان‌گونه که ذکر شد، این بنای با عظمت تاریخی به علت وزش نسیمی ملایم و متأسفانه سرایت جرقه‌ای آتش به عدل‌های پنبه در محوطه‌ی کاروانسرا، مشتعل گردید و ساعت‌ها در آتش سوخت، و این‌گونه که شایع بود، ماشین‌های آتش‌نشانی یکی از شهرهای هم‌جوار وقتی رسید که تمام این کاروانسرای چند طبقه تبدیل به زغال و خاکستر شده بود. (سردبیر)

۱- آب انبار طلایی :

این آب انبار در ابتدای «کوچه درازه» قرار داشت و نظر به این که گنج معروف دوره‌ی ساسانی در هنگام حفر در این جا پیدا شد، به این نام معروف شده و اکنون به طور کلی تخریب شده است.

۲- آب انبار گوشه سرتل :

نام دیگر آن آب انبار «حاج آمعی» بود که در بالای آن مسجد گوشه سرتل قرار داشت و در مسیر احداث خیابان تخریب شده است. آب این دو آب انبار از سراب باروداب تأمین می شد.

۳- آب انبار پای قلعه :

این آب انبار در بالای مسجد پای قلعه قرار داشت. در جریان نوسازی مسجد، این آب انبار تخریب شد.

ساختمان‌های جدید در نهاوند

بعد از وقوع سیل ویرانگر نهاوند در شهریورماه سال ۱۳۱۷ که بسیاری از محله‌های شهر و بناهای مسکونی و تجاری تخریب شدند، برخی از ادارات دولتی تصمیم به احداث بنای مستقل می گیرند. یکی از اولین ساختمان‌های اداری که احداث می شود بنای دخانیات بوده است. در مناقصه‌ی ساخت آن سه معمار همدانی به نام استاد حسین علی خاکباز الوندیان، استاد اکبر احدی پور و استاد لطف الله همدانی برنده می شوند. هر کدام با چند بنا عازم نهاوند می شوند و ساخت و ساز دخانیات را آغاز می کنند. این ساختمان بعداً تخریب شده و مجدداً به وسیله‌ی استاد حسینعلی ساخته می شود.

تقاضای زیاد برای ساخت و ساز و به کاربردن شیوه‌های نوین معماری موجب می شود که این معماران در نهاوند رحل اقامت برگزینند. بسیاری از این بناهای

آموزشی، اداری و ساختمان‌های مسکونی یادگار این معماران هستند. بناهایی چون دبستان مدرس، حوزه‌ی علمیه‌ی کنونی در راسته‌ی میرزاآقا که در فرهنگیان شماره‌ی ۱۲ ساخت آن را به معماران یزدی نسبت داده‌اند و ساختمان‌های مسکونی مانند منزل شهاب که اکنون سردر بیرونی آن به زیبایی تمام پابرجاست و منزل آیت‌الله قدوسی با طاق‌های زیبای سردر آن، از آن زمره‌اند.

یکی از بناهای جدید نهاوند ساختمان شهرداری است، که بعد از سال ۱۳۲۰ احداث شده‌است. این ساختمان کار مرحوم سید یحیی صدیقی است. ایشان معمار شهرداری بود و بر ساخت و ساز در شهر نظارت می‌کرد. از کارهای دیگر او می‌توان به ساخت مدرسه‌ی علمیه‌ی آیت‌الله علیمرادیان و پارک شهر اشاره نمود.

طاق‌های زیبای اطراف میدان شریعتی که چشم‌هیر بیننده‌ای را خیره می‌کند کار معماران همین دوره است. ساختمان جنب مدرسه‌ی علمیه کار استاد بگ‌شیر [بشیر] و ساختمان جنب بانک ملی کار استاد حسینعلی است.

سیل برگردان (لنگاه) و پل‌های نهاوند

بعد از جاری شدن سیل در سال ۱۳۱۷، سیل برگردان شهر احداث می‌شود. مقاطعه‌کار حفر سیل برگردان شخصی به نام صارمی از اهل ملایر بوده است. تعیین ضرب‌الاجل چهارماهه برای اتمام کار، موجب می‌شود که بسیاری از اهالی شهر و حتی کاسب‌های بازار مسافت‌های چندین متری را از این فرد به مقاطعه بگیرند و هرکدام چند کارگر برای حفر آن بگمارند. بعد از حفر سیل برگردان، اولین پلی که روی آن احداث می‌شود پلی است که خیابان اصلی شهر از روی آن می‌گذرد. این پل به نام پل سرخیابان و بعداً به واسطه‌ی مجاورت با تنها سینمای شهر به «پل سینما» مشهور شد. این پل، سه دهانه دارد و در بنای آن سیمان و آهن به کار نرفته است. معمار آن استاد بگ‌شیر

[بشیر] بوده است. در سال‌های اخیر با توجه به تعریض این پل و احداث واحدهای تجاری در دو سمت آن، ساختمان اصلی پل و زیبایی نمای آن از دیده پنهان شده است. این پل، که هنوز با استحکام، پذیرای عبور روزانه صدها ماشین است، متأسفانه نامی در خور بنای خود ندارد. بعد از احداث این پل، پل‌های دیگری روی سیل برگردان ساخته شده است که تعداد آن‌ها بیش از ده‌تاست. ولی هیچ کدام زیبایی و استحکام پل یاد شده را ندارند. از پل‌های دیگری می‌توان به پل بیمارستان، پل غسل‌خانه، که بانی آن آیت‌الله علیم‌رادیان و معمار آن حاج اصغر معصومی بوده است و پل آهنی اشاره کرد.^۱

معماری‌های معروف نهاوند

- ۱- استاد احمد معماریان، ۲- استاد محمد معماریان، ۳- استاد مجید معماریان، ۴- استاد حمید معماریان، ۵- سید علی بنا، ۶- آقا یحیی صدیقی فرزند سید علی، ۷- استاد بگ‌شیر [بشیر]، ۸- استاد حسینعلی همدانی، ۹- استاد اکبر همدانی، ۱۰- استاد لطف‌الله همدانی و ۱۱- استاد حسن همدانی^۲

هر کلنگی که به طاقی آجری می‌خورد، در واقع پایان عمر آن را رقم می‌زند. ما با چنین اقدام علاوه بر نابود کردن یک اثر هنری، بخشی از هویت معماری شهر تاریخی

۱- از جمله پل‌های خارج از شهر نهاوند می‌توان به پل «ظفرالسلطان» بر روی پل لاغره (گاماسیاب) در مسیر جاده‌ی دوآسیابه به نهر راج و به روستاهای زرامین‌ها و کرک‌ها و هم‌چنین به پل «حاج علیم‌راد» بر روی امتداد انتهای رودخانه هرم‌آباد در جوار روستای وسج و قبل از پیوستن به گاماسیاب در مسیر جاده‌ی نهاوند به کرمانشاه اشاره کرد. (سردبیر)

۲- از بازماندگان این معماران شادروان و نیز از همشهریان آگاه از هنرمندی این معماران درخواست می‌کند هرگونه سابقه‌ای از کار معماری ایشان دارند، به طور کتبی فرهنگان را مطلع فرمایند. با تشکر پیشاپیش (فرهنگان)

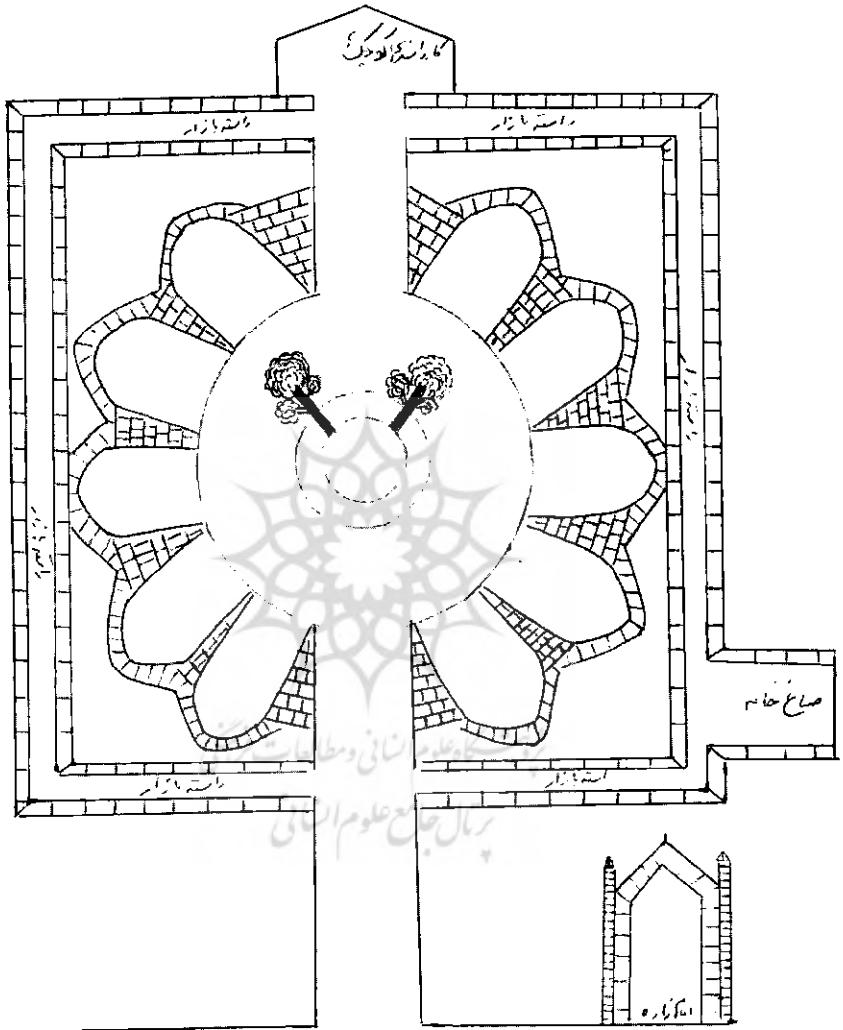
خود را از بین می‌بریم. متأسفانه هم‌اکنون ساختمان‌های کهن با نماهای زیبا و رؤیایی یکی پس از دیگری از بین می‌روند و به جای آن‌ها بناهایی ساخته می‌شوند که با ساختمان‌های مجاور خود بیگانه هستند و هیچ نمادی از معماری قدیم در آن‌ها یافت نمی‌شود.

به راستی چه وجه مشترکی بین طاق‌های زیبای دور میدان شریعتی با ساختمان نوساز بانک ملی می‌توان یافت؟ گویی به قراری نامبارک توافق کرده‌ایم که هیچ میراثی از معماری گذشته و نشانه‌یی از آن همه زیبایی آرامش‌بخش را به نسل نو نسپاریم. هنوز می‌توان نماهای آجری زیبایی از کار استادکاران قدیم در گوشه و کنار شهر یافت. گرچه بسیار دیر است، اما هنوز امکان دارد که با تهیه‌ی آلبومی از نماهای زیبای ساختمان‌های کهن، این آثار را ماندگار کنیم. باشد که زیبایی چشم‌نواز آن‌ها دست‌اندرکاران ساخت و ساز شهری را به این اندیشه وادارد که می‌توان با استفاده از آن مدل‌ها در نما سازی بناهای جدید علاوه بر ساختن شهری زیباتر، بخشی از هویت معماری این دیار کهن را احیا نمود.

امید بر آن است که با همت متخصصین و فرهیختگان همشهری به راهکارهایی دست‌یابیم که در اجرای آن شاهد آشتی معماری جدید با معماری بومی باشیم.

از آن‌جایی که کندوکاو در معماری بناهای نهاوند، جز با مصاحبه با افراد عاشق و مطلع به این شیوه‌ی ساخت و ساز، کامل نمی‌شود، از این بزرگان کمک گرفتم. در این جا به خصوص وظیفه‌ی خود می‌دانم که از استاد علی‌اکبر شهبازی که به رغم کهولت سن با دادن اطلاعات با ارزش خود ما را یاری دادند، تشکر نمایم. هم‌چنین از راهنمایی‌های ارزشمند آقای یدالله شهبازی که در طول تحقیق به بنده پشت‌گرمی می‌دادند سپاس گزارم.

نمایی شماتیک از بازار قیصریه



بازار ← به سمت شرق شهر
 بازار → به سمت غرب شهر

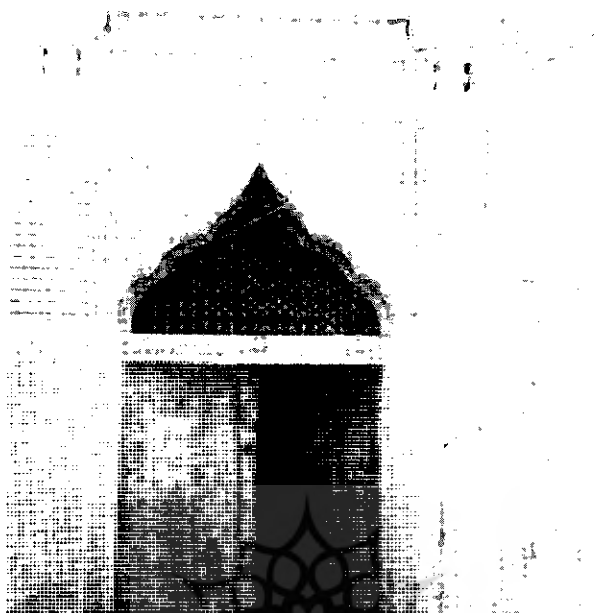
چهارسوق

حمام بازار

توسیم گابجاری

سکوی اعمروانا

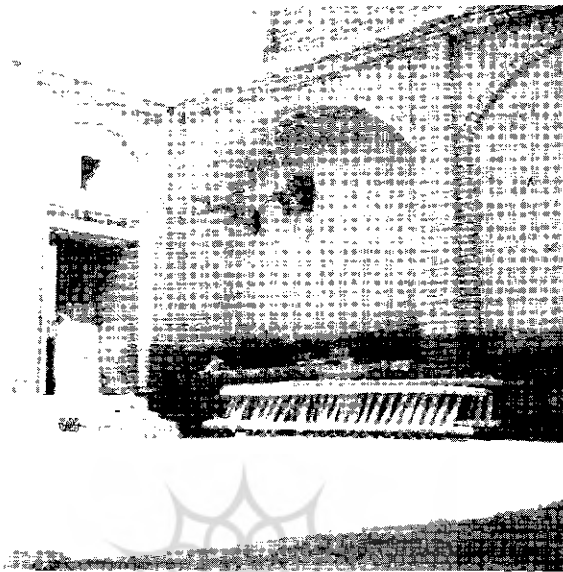
کوپر کاسریا



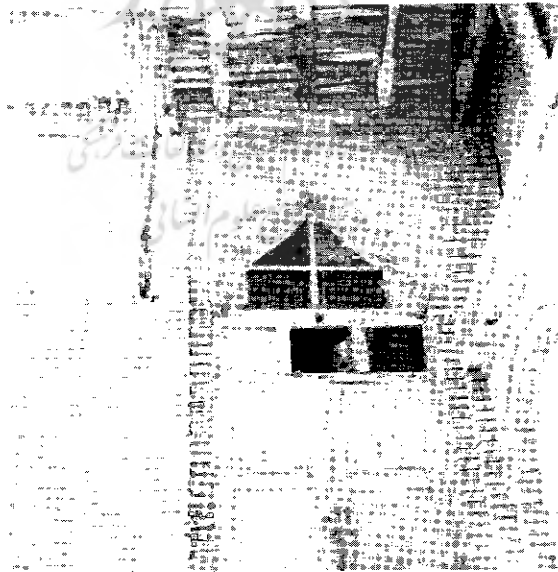
طاق شاخ‌بزی - سر در حیاط آیت‌الله قدوسی - کار استاد لطف‌الله همدانی - آجر تراش : استاد جعفر همدانی ، استاد اکبر شهبازی



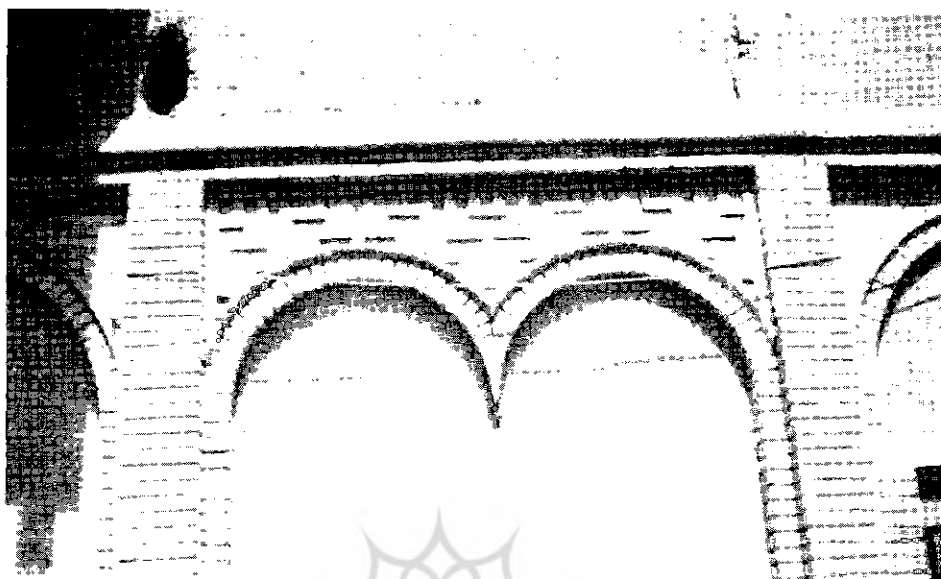
نمای سر در یک خانه‌ی اعیانی ، منزل مرحوم مهران ، کار استاد اکبر همدانی



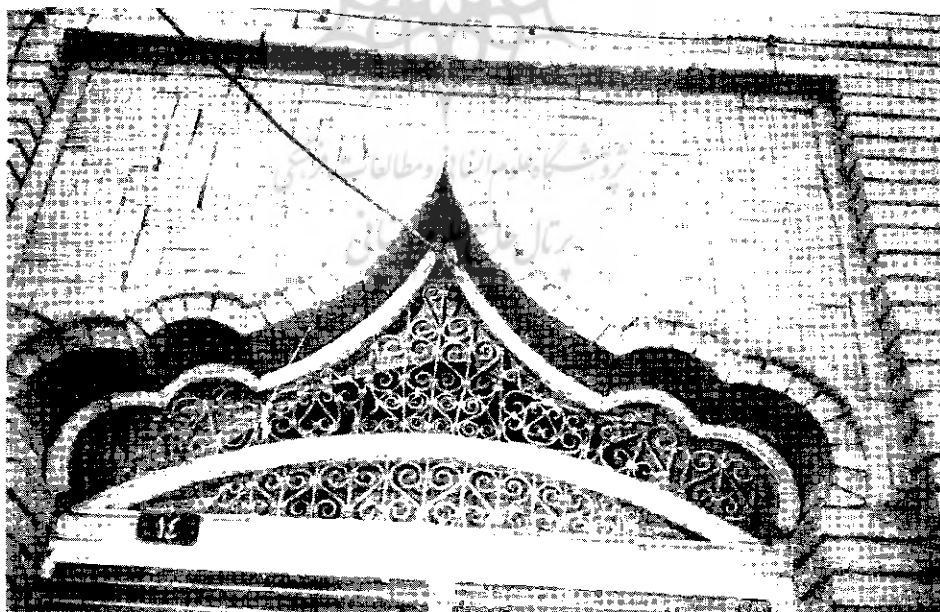
طاق نما با طاق هلالی ، کار استاد اکبر همدانی



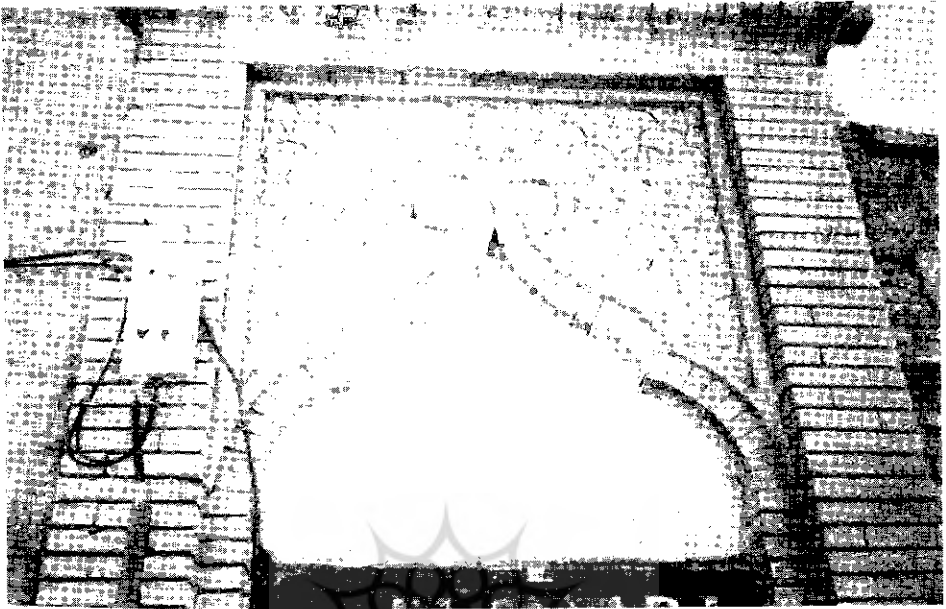
طاق شاخ‌بزی ، همراه با سقف و داربتهای معمولی ، کار استاد اکبر همدانی (منزل مرحوم مهران)



طاق ابو و (ابی) ، کار استاد اکبر همدانی



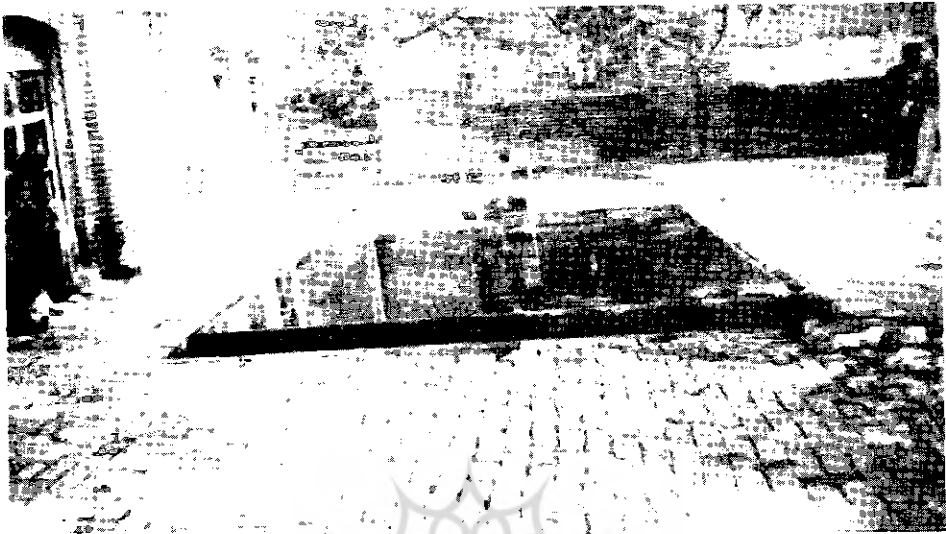
طاق شاخ بزی، سر در منزل شهاب ، کار استاد علی همدانی، با بغل چینی موسوم به «خفته راستا»



طاق شاخ‌بزی ، سردرِ خانه‌ی آیت‌الله قدوسی ، ساخت استاد لطف‌الله همدانی



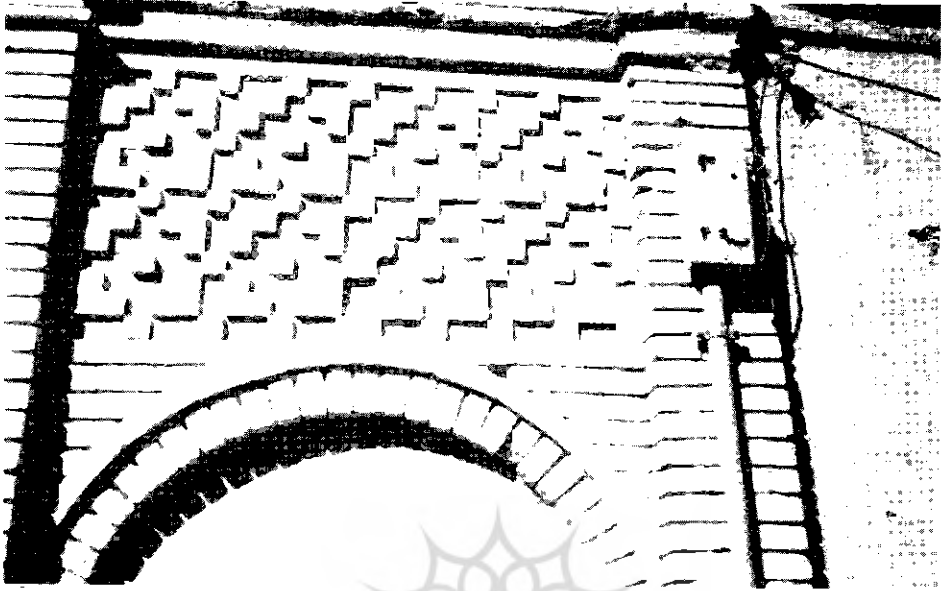
طاق هفت و پنج ، کار استاد اکبر همدانی



نمای حوض با آجر فرش حیاط ، آب جاری از لوله‌ی کنار حوض وارد شده و از مجرای کنار حوض و پاشویه خارج می‌شود .



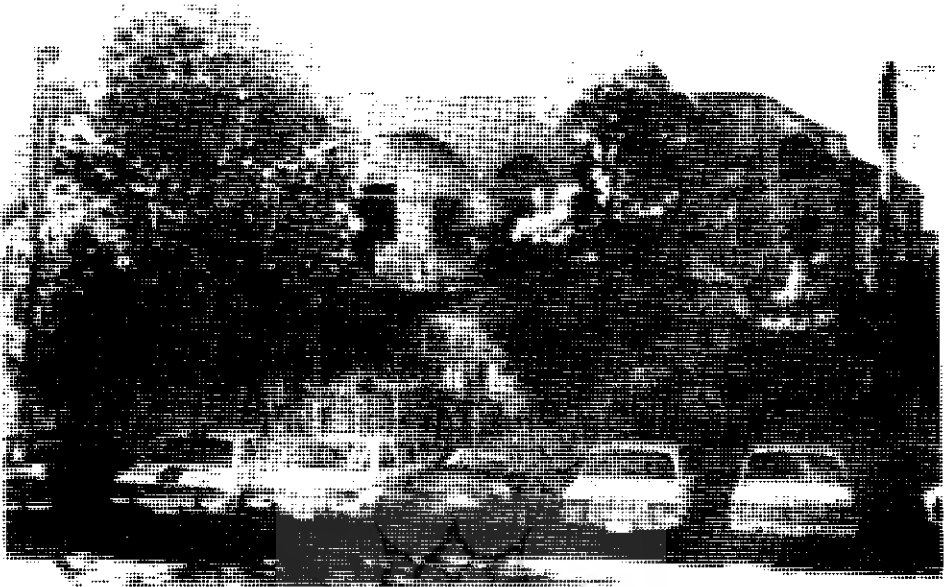
نمای دو طاق روسی ، کار استاد اکبر همدانی



سردرِ خانه‌ی حاج آقا یدالله ، کار استاد مجید معماریان



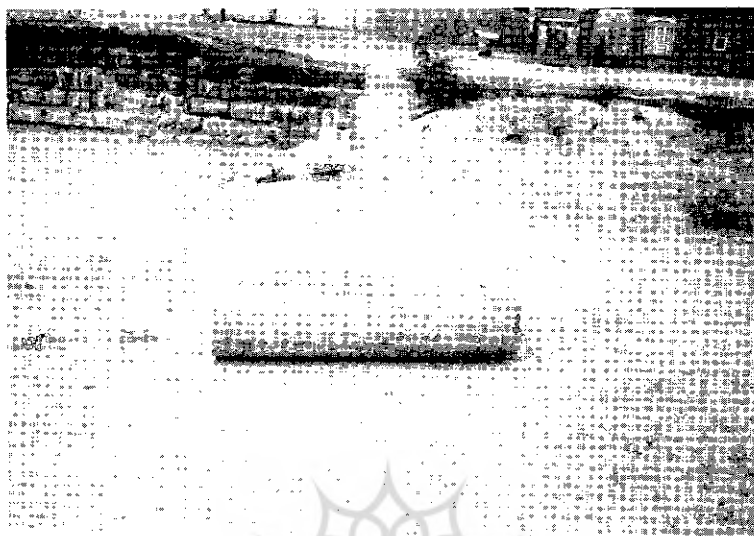
نمایی از میدان شریعی ، کار استاد بک‌شیر ، طاق ابرو (ابری) و هلال



نمایی از میدان شریعتی ، کار استاد حسینعلی همدانی



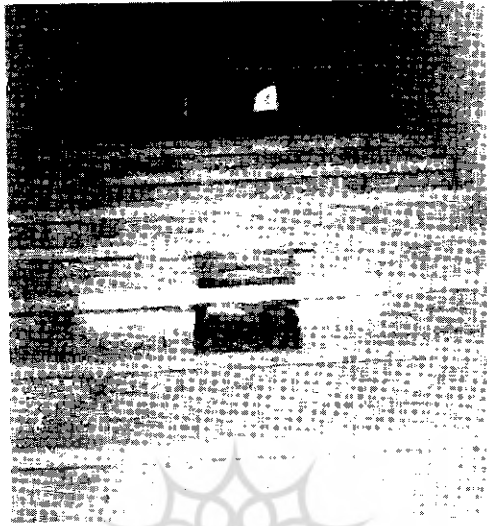
آسیاب دستی (دستر)



بام غلطان (بورگیلو)

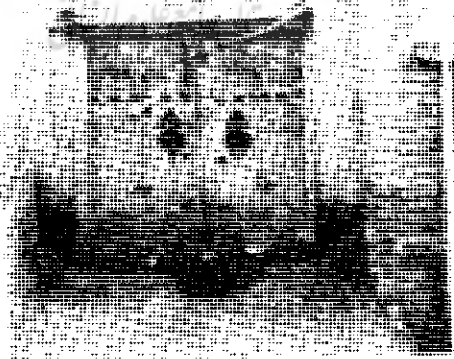


طاق هلال با بغل چینی «خفته راسته»



ساختمان پلکان

شهرستان نهاوند - استان زنجان



نمای یک در با شب‌بند، دو کوبه، گل‌میخ و عقربه



داریکه حصیری

مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در یک صندوق خانه ، تخته کوب شده